

## متن کامل خطبه فدکیه با ترجمه فارسی

هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند فدک را از حضرت فاطمه علیهاالسلام بگیرند چون این خبر به ایشان رسید، چادر بر سر نهاد و با گروهی از زنان بسوی مسجد روانه شد، در حالیکه چادرش به زمین کشیده می‌شد، و راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، بر ابوبکر که در میان عده‌ای از مهاجرین و انصار نشسته بود وارد شد، در این هنگام بین او و دیگران پرده‌ای آویختند، آنگاه ناله‌ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم به گریه افتادند و مجلس و مسجد بسختی به جنبش درآمد. سپس لحظه‌ای سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروششان آرام یافت، آنگاه حضرت زهرا (س) کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:

**الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمومٍ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا وَ سُبُوغِ الْإِءِ اسْدَاهَا وَ تَمَامِ مَنِ  
أَوْلَاهَا جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدْدَهَا وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدَهَا وَ تَفَاوَتَ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدَهَا وَ نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا  
وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِاجْزَائِهَا وَ تَنَى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا**

حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منتهای بی‌شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گرداند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد.

**وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ صَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْضُوعَهَا، وَ أَنَارَ فِي النَّفْكَرِ  
مَعْقُولَهَا، الْمُمْتَنِعُ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتَهُ، وَ مِنَ الْأَلْسَنِ صَفْتَهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ. ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ  
أَنْشَأَهَا بِإِلْحَادِهَا أَمْثَلَهُ امْتَلَأَهَا، كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لَا فَائِدَةٍ لَهُ فِي  
تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحُكْمَتِهِ وَ تَنْبِيْهُاً عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَاراً لِقُدْرَتِهِ وَ تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ، وَ اغْرَازًا لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى  
طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَّتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادَتِهِ مِنْ نِعْمَتِهِ وَ حِيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.**

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشم‌ها از دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند. موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بی‌آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائده‌ای

برایش وجود داشته باشد؛ بلکه آنها را تنها برای این جهت آفرید که حکمت و فرزangi خود را اثبات کند و بندگان را بر اطاعت از خود آگاهی دهد و قدرتش را آشکار بلکه آنها را تنها برای این جهت آفرید که حکمت و فرزangi خود را اثبات کند و بندگان را بر اطاعت از خود آگاهی دهد و قدرتش را آشکار سازد، و مردم را به بندگی واداشته، و دعوت خود را تقویت و تثبیت کند. آنگاه بر اطاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگان را از نعمتش بازدارد و آنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد.

**وَ اشْهَدُ أَنَّ اَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ، اِخْتَارَهُ قَبْلَ اَنْ اَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ اَنْ اِحْتَبَاهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ اَنْ اِتَّبَعْتَهُ، اِذِ الْخَلْقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُوْنَةٌ، وَ بَسْتَرِ الْاَٰهَٰوِیْلِ مَصُوْنَةٌ، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُوْنَةٌ، عَلِمًا مِنْ اللّٰهِ تَعَالٰی بِمَآئِلِ الْاُمُوْر، وَ اِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُوْرِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْاُمُوْرِ.**

و گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده اوست، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر حد عدم و نیستی قرار داشتند، او را برانگیخت بخاطر علمش به عواقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدرات.

**اِتَّبَعْتَهُ اللّٰهُ اَتْمَامًا لِاَمْرِهِ، وَ عَزِيْمَةً عَلٰی اِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ اِنْفَاذًا لِمَقَادِيْرِ رَحْمَتِهِ، فَرَأَى الْاُمَّمَ فَرَقًا فِیْ اَدْيَانِهَا، عَكْفًا عَلٰی نَبِرَانِهَا، عَابِدَةً لِاَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلّٰهِ مَعَ عِرْفَانِهَا. فَاَنَارَ اللّٰهُ بِاَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ ظُلْمَهَا، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوْبِ بُهْمَهَا، وَ جَلٰی عَنِ الْاَبْصَارِ غُمَّهَا، وَ قَامَ فِی النَّاسِ بِالْهُدٰیةِ، فَاَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوٰیةِ، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعِمٰیةِ، وَ هَدٰاهُمْ اِلٰی الدِّیْنِ الْقَوِيْمِ، وَ دَعٰاهُمْ اِلٰی الطَّرِيْقِ الْمُسْتَقِيْمِ. ثُمَّ قَبَضَهُ اللّٰهُ اِلَيْهِ قَبْضَ رَافَةِ وَ اِخْتِيَارِ، وَ رَغْبَةٍ وَ اِيْتَارِ، فَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِی رَاحَةٍ، قَدْ حَفَّ بِالْمَلٰئِكَةِ الْاَبْرَارِ وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ، وَ مُجَاوِرَةَ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی اَبِي نَبِيْهِ وَ اَمِيْنِهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيْهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ.**

او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعی‌اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید، و آن حضرت امتها را دید که در آئینهای مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتشهای افروخته معتکف و بت‌های تراشیده شده را پرستنده، و خداوندی که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد را منکرند. پس خدای بزرگ بوسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله تاریکی‌های آن را به نور مبدل نمود و مشکلات قلبها را برطرف، و موانع رؤیت دیده‌ها را از میان برداشت، و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید، و کوری دلشان را به بصیرت مبدل نمود، ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شده، و به راه راست دعوت نمود. تا هنگامی که خداوند او را بسوی خود فراخواند، فراخواندنی از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش

بوده، و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده‌اش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد.

**ثم التفت الى اهل المجلس و قالت: انتم عباد الله نصب امره و نهيه، و حملة دينه و وحيه، و امانة الله على انفسكم، و بلغاؤه الى الامم، زعيم حق له فيكم و عهد قدمه اليكم، و بقیه استخلفها عليكم: كتاب الله الناطق و القرآن الصادق، و النور الساطع و الضياء الالامع، بينه بصائرُه، منكشفه سرائرُه، منجليه ظواهرُه، مغنبطه به اشياعه، قائدا الى الرضوان اتباعه، مؤدّا الى النجاة استماعه. به نال حجاج الله المنورة، و عزائم المفسرة، و محارمه المحذرة، و بيناته الجالية، و براهينه الكافية، و فضائله المندوبة، و رخصه الموهوبة، و شرائعه المكتوبة.**

آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام رو به مردم کرده و فرمود: شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امینهای خدا بر یکدیگر، و مبلغان او بسوی امتهایید، زمامدار حق در میان شما بوده و پیمانی است که از پیشاپیش بسوی تو فرستاده، و باقیمانده‌ای است که برای شما باقی گذارده، و آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور آشکار و شعاع درخشان است، که بیان و حجت‌های آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوه‌گر می باشد، پیروان آن مورد غبطه جهانیان بوده، و تبعیت از او خشنودی الهی را باعث می گردد، و شنیدن آن راه نجات است. بوسیله آن می توان به حجت‌های نورانی الهی، و واجباتی که تفسیر شده، و محرّماتی که از ارتکاب آن منع گردیده، و نیز به گواهیهای جلوه‌گرش و برهانهای کافیش و فضائل پسندیده‌اش، و رخصتهای بخشیده شده‌اش و قوانین واجبش دست یافت.

**فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَنْبِيهاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْييداً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ أَمَاناً لِقُلُوبِكُمْ، وَ الْجِهَادَ عِزاً لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ. وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَ قَائِمَةً مِنَ السَّخَطِ، وَ صَلَةً الْأَرْحَامِ مَسَاءً فِي الْعُمْرِ وَ مَنَاماً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصَ حَقناً لِلدَّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةً الْمَكَائِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْييراً لِلْبُخْسِ**

پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبر، و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تثبیت اخلاص، و حج را برای استحکام دین، و عدالت‌ورزی را برای التیام قلبها، و اطاعت ما خاندان را برای نظم یافتن ملت‌ها، و امامت‌مان را برای رهایی از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای کمک در بدست آوردن پاداش قرار داد و امر به معروف را برای مصلحت

جامعه، و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی، و صلح ارحام را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت، و قصاص را وسیله حفظ خونها، و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع کم‌فروشی مقرر فرمود

و النَّهْيَ عَنِ شَرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّغْنَةِ، وَ تَرْكَ السَّرْقَةِ اِيْجَاباً لِلْعِصْمَةِ، وَ حَرَمَ اللّٰهُ الشَّرْكَ اِخْلَاصاً لَّهٗ بِالرُّبُوبِيَّةِ. فَاتَّقُوا اللّٰهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ اِلَّا وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ اطِيعُوا اللّٰهَ فِيمَا اَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَانَّهُ اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. ثُمَّ قَالَتْ: اَيُّهَا النَّاسُ! اِعْلَمُوا اَنِّي فَاطِمَةُ وَ اَبِي مُحَمَّدٍ، اَقُولُ عَوْدًا وَ بَدْءًا، وَ لَا اَقُولُ مَا اَقُولُ غُلْطًا، وَ لَا اَفْعَلُ مَا اَفْعَلُ سَطْطًا، لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ. فَاِنْ تَعَزَّوْهُ وَ تَعَرَّفُوْهُ تَجَدَّوْهُ اَبِي دُوْنِ نِسَائِكُمْ، وَ اَخَا ابْنِ عَمِّي دُوْنَ رَجَالِكُمْ، وَ لَنِعْمَ الْمَعْرِيُّ اِلَيْهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ. فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ صَادِعًا بِالنَّذَارَةِ، مَاثِلًا عَنِ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِيْنَ، ضَارِبًا بِنَجْمِهِمْ، اِخْذًا بِاَكْظَامِهِمْ، دَاعِيًا اِلَى سَبِيْلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَجْفُ الْأَصْنَامَ وَ يَنْكُثُ الْأَهَامَ، حَتَّى اَنْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ وَاوَّ الدَّبْرُ

و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد، و شرک را حرام کرد تا در یگانه پرستی خالص شوند. پس آنگونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه مسلمان باشید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمایید، همانا که فقط دانشمندان از خاک می ترسند. آنگاه فرمود: ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز می گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنجهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطوف است. پس اگر او را بشناسید می دانید که او در میان زنانان پدر من بوده، و در میان مردانان برادر پسر عمومی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم. رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره گیری کرده، شمشیر بر فرقشان نواخت، گلویشان را گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود، بتها را نابود ساخته، و سر کینه توزان را می شکند، تا جمعشان منهزم شده و از میدان گریختند.

حَتَّى تَقْرَى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَ اسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ، وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَ خَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَ طَاحَ وَ شَيْطُ النِّفَاقِ، وَ اِنْحَلَّتْ عَقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ، وَ فَهَّمَتْ بِكَلِمَةِ الْاِخْلَاصِ فِي نَفْرِ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ. وَ كُنْتُمْ عَلَي سَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُذَقَّةَ الشَّارِبِ، وَ نَهْزَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَ مَوْطِيَةَ الْأَفْدَامِ، تَسْرُبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقِدَّ، اَدَلَّةُ حَاسِيْنَ، تَخَافُونَ اَنْ يَتَخَطَّفَكُمْ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَانْقَذَكُمْ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ بَعْدَ اللَّتْيَا وَ اَلَّتِي، وَ بَعْدَ اَنْ مَنِيْ بَيْنَهُمُ الرَّجَالِ، وَ دُؤْبَانَ الْعَرَبِ، وَ مَرَدَةَ اَهْلِ الْكِتَابِ. كُلَّمَا اَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ اَطْفَأَهَا اللّٰهُ، اَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، اَوْ فَعَرَتْ فَاغْرَةً مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ، قَذَفَ اَخَاهُ فِي لَهْوَاتِهَا، فَلَا يَنْكِفِيْ حَتَّى يَطَّ جِنَاحُهَا بِأَحْمَصِهِ، وَ يَخْمِدُ

لَهَا بِسَيِّفِهِ، مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُسَمِّراً نَاصِحاً مُجِدِّداً  
كَادِحاً، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيهِ مِنَ الْعَيْشِ، وَ ادْعُونَ فَكَيْهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرِ، وَ  
تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ تَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَ تَقْرُونَ مِنَ الْقِتَالِ.

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره برکشید، زمامدار دین به سخن درآمد، و فریاد شیطانها خاموش گردید، خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره‌های کفر و تفرقه از هم گشوده گردید، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند. و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته، و مانند جرعه‌ای آب بوده و در معرض طمع طماعان قرار داشتید، همچون آتش‌زنه‌ای بودید که بلافاصله خاموش می گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می کردید، خوار و مطرود بودید، می ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را بدست آن حضرت نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگهای عرب و سرکشان اهل کتاب ناراحتیها کشیدید. هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورد یا اژدهائی از مشرکین دهان باز کرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرانان را به زمین نمی کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی کرد، باز نمی گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت گر، تلاشگر، و کوشش کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت کننده نمی هراسید. و این در هنگامه‌ای بود که شما در آسایش زندگی می کردید، در مهد امن متنعم بودید، و در انتظار بسر می بردید تا ناراحتی‌ها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید، و هنگام کارزار عقبگرد می کردید، و به هنگام نبرد فرار می نمودید.

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ انْبِيَاءِهِ وَ مَأْوَى اصْفِيَاءِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ، وَ سَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ،  
وَ نَبَعَ خَامِلُ الْاَقْلِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ اَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَاسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ، فَالْفَاكُمُ  
لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرَّةِ فِيهِ مَلَا حِظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ اَحْمَشَكُمْ فَالْفَاكُمُ غَضَابًا، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ اَبْلِكُمْ،  
وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ. هَذَا، وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلِمَةُ رَحِيبٌ، وَ الْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، اِبْتِدَاراً رَعَمْتُمْ  
خَوْفَ الْفِتْنَةِ، اِلَّا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ. فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ، وَ كَيْفَ بِكُمْ، وَ اَنِّي تُؤْفِكُونَ، وَ كِتَابُ  
اللَّهِ بَيْنَ اَظْهُرِكُمْ، اُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ اَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ اَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَاحِظَةٌ، وَ اَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَفْتُمُوهُ  
وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، اُرْعَبَةٌ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ اَمْ بَعِيْرُهُ تَحْكُمُونَ؟ بَسْ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا، وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْنًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ،  
وَ هُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید. این در حالی بود که زمانی گذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحات التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و براستی جهنم کافران را احاطه نموده است. این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، آموزش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهانید؟ یا بغیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَى رَيْثٍ أَنْ تَسْكُنَ نَفَرَتَهَا، وَيَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُورُونَ وَ قُدَّتَهَا، وَ تُهَيِّجُونَ جَمَرَتَهَا، وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَ اطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَ اِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُسْرُونَ حَسَوًا فِي ارْتِعَاءٍ، وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ فِي الْخَمْرِ وَ الضَّرَاءِ، وَ نَصِيرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمُدَى، وَ وَخْرِ السِّنَانِ فِي الْحِشَاءِ. وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا ارِثَ لَنَا أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ، وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ، أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى، قَدْ نَجَلَى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الصَّاحِيَةِ أَتَى ابْنَتَهُ. أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَغْلَبَ عَلَى ارِثِي؟ يَا بَنِي أَبِي قُحَافَةَ! أَفَى كِتَابِ اللَّهِ تَرِثُ أَبَاكَ وَ لَا ارِثُ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتُ شَيْئًا فَرِيًّا، أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ بَدَلْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (1) وَ قَالَ فِيمَا افْتَضَى مِنْ خَبَرِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»، (2) وَ قَالَ: «وَ اؤْتُوا الْأَرْحَامَ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»، (3) وَ قَالَ «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْاُنثَى»، (4) وَ قَالَ «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأَقْرَبِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ». (5)

آنگاه آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتش‌گیره‌ها را افروخته‌تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید، به بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان می‌خورید، و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید، و ما باید بر این امور که همچون کسی که خنجر بر گلوئ او نوک نیزه بر دل او نشسته باشد، صبر کنیم. و شما اکنون گمان می

برید که برای ما ارثی نیست، آیا خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم خداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان روشن است، که من دختر او هستم. ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسر ابی قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و از ارث پدرم محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید، آیا قرآن نمی‌گوید «سلیمان از داود ارث برد»، و در مورد خیر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد»، و فرمود: «و خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از دیگرانند»، و فرموده: «خدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که بهره پسر دو برابر دختر است»، و می‌فرماید: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید، و این حکم حقی است برای پرهیزگاران.

وَزَعَمْتُمْ أَنْ لَا حَظَّوْهُ لِي، وَ لَا ارْثٌ مِنْ أَبِي، وَ لَا رَحِمٌ بَيْنَنَا، أَفَحَصَّكُمْ اللَّهُ بِأَيِّهِ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟ فَذَوْنُكُمَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ تَلْفَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ. فَنِعْمَ الْحُكْمُ لِلَّهِ، وَ الزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَ الْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدَمُونَ، وَ لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ، وَ لَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَ يُحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ.

و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاه‌ترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد. چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند، و برای هر خبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود.

ثم رمت بطرفها نحو الانصار، فقالت: يا معشر النقيبة و اعضاء الملة و حضة الاسلام! ما هذه الغميرة في حقي و السنة عن ظلمتي؟ اما كان رسول الله صلى الله عليه و اله ابي يقول: «المرء يحفظ في ولده»، سرعان ما احدثتم و عجلان ذاهال، و لكم طاقه بما احوال، و قوة على ما اطلب و ازاول. اتقولون مات محمد؟ فخطب جليل استوسع و هنه، و استنهر فتقه، و انفتق رتقه، و اظلمت الارض لغييبته، و كسفت الشمس و القمر و انتشرت النجوم لمصيبته، و اكدت الامال، و خشعت الجبال، و اضيع الحريم، و ازيلت الحرمة عند مماته. فتلك والله النازلة الكبرى و المصيبة العظمى، لامثلها نازلة، و لا بائقة عاجلة اعلن بها، كتاب الله جل ثناؤه في افييتكم، و في ممساكم و مصيحكم، يهنف في افييتكم

هُتَافًا وَ صُرَاخًا وَ تِلَاوَةً وَ الْحَنَانَ، وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، حُكْمٌ فَضْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ. «وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ». (6)

آنگاه رو بسوی انصار کرده و فرمود: ای گروه نقباء، و ای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهل انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی فرمود: «حرمت هر کس در فرزندان او حفظ می شود»، چه بسرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فروریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می کوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصدم می باشد. آیا می گوئید محمد صلی الله علیه و آله بدرود حیات گفت، این مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته آن شکافته، و زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان بی فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرائید، کوهها از جای فروریخت، حرمتها پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند. بخدا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیه عظیم تر است، که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در خانه های تان، و در مجالس شبانه و روزانه تان، آرام و بلند، و با تلاوت و خوانندگی آن را می خوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می فرماید: محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری در گذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمی گردید، و آنکس که به عقب برگردد به خدا زیانی نمی رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد.

إِيهَا بَنِي قَيْلَةَ! أَءَأَهَضَمْتُ رِثَاتِ أَبِي وَ أَنْتُمْ بِمِرْأَى مَنِي وَ مَسْمَعٍ وَ مُنْتَدَى وَ مَجْمَعٍ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَسْمَلُكُمْ الْخُبْرَةُ، وَ أَنْتُمْ دَوُو الْعُدَدِ وَ الْعُدَّةِ وَ الْأَدَاةِ وَ الْقُوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَ الْجَنَّةُ، تَوَافِكُمُ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ الْمَرْحَةُ فَلَا تُغِيثُونَ، وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ النُّخْبَةُ الَّتِي انْتُخِبْتَ، وَ الْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرَتْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأُمَّمَ، وَ كَافَحْتُمُ الْبُهَمَ، لَا تَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمِرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْأِسْلَامِ، وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ نَعْرَةَ الشَّرْكِ، وَ سَكَنْتْ فُورَةَ الْأَفْكِ، وَ حَمَدَتْ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَ هَدَّاتْ دَعْوَةَ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَنَّى حِزْمُ بَعْدِ الْبِيَانِ، وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْأِغْلَانِ، وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْأَفْدَامِ، وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيْمَانِ؟

ای پسران قیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می بینید و سخن مرا می شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرت و ذخیره اید، و دارای ابزار و قوه اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما



می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید، و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید، در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می‌باشید، و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهل بیت برگزیده شدید! با عرب پیکار کرده و متحمل رنج و شدتها شدید، و با امتهای رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرک‌آمیز خاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گردانید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان شرک آوردید؟

**بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكْتُوا إِيمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ، وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بِدَوْكُمُ أَوَّلَ مَرَّةٍ، أَنْخَسُونَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ  
 إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. أَلَا، وَ قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَ أَبَعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ بِالذَّعَةِ، وَ  
 نَجَوْتُمْ بِالضِّيْقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَّجْتُمْ مَا وَعَبْتُمْ، وَ دَسَّعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ  
 لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ. أَلَا، وَ قَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخِدْلَةِ الَّتِي خَامَرْتَكُمْ، وَ الْعَدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبَكُمْ، وَ  
 لَكِنَّا فَيْضَةُ النَّفْسِ، وَ نَفْثَةُ الْعَيْظِ، وَ حَوْرُ الْقَنَاءِ، وَ بَنَّةُ الصَّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحَجَّةِ، فَدُونَكُمْوَهَا فَاحْتَبِئْهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقِيَّةَ  
 الْخُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَعْضِ الْجَبَّارِ وَ سَنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةَ بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْنِدَةِ. فَبِعَيْنِ اللَّهِ  
 مَا تَفْعَلُونَ، وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيْ مُنْقَلَبِ يَنْقَلِبُونَ، وَ أَنَا إِنِّي نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ، وَ  
 أَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ.**

وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند، و خواستند پیامبر را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارد در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید. آگاه باشید می بینم که به تن‌آسائی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته‌اید، با راحت‌طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده‌اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فروبرده بودید را بازگردانند، پس بدانید اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است. آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کاملم بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما، و بی‌وفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غضب است، و آنچه قابل تحمل نیست، و جوشش سینه‌ام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول‌دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلبها احاطه می‌یابد متصل است. آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی بازخواهند

گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هر چه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می‌بریم.

**فَاجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدَ اللَّهِ بْنُ عُمَانَ، وَقَالَ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا، رَوْفًا رَحِيمًا، وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَعِقَابًا عَظِيمًا، إِنَّ عَزْوَنَاهُ وَجَدْنَاهُ أَبَاكَ دُونَ النَّسَاءِ، وَأَخَا الْفِكَ دُونَ الْأَخْلَاءِ، أَثَرَهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَسَاعَدَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا سَعِيدٌ، وَلَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا شَقِيٌّ بَعِيدٌ.**

**فَأَنْتُمْ عِتْرَةُ رَسُولِ اللَّهِ الطَّيِّبُونَ، الْخَيْرَةُ الْمُتَجَبُّونَ، عَلَى الْخَيْرِ أَدَلَّتْنَا وَإِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا، وَأَنْتِ يَا خَيْرَةَ النَّسَاءِ وَابْنَةَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وَفْوْرِ عَقْلِكَ، غَيْرَ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَلَا مَصْدُودَةٌ عَنْ صِدْقِكَ. وَاللَّهُ مَا عَدَوْتُ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ، وَلَا عَمَلْتُ إِلَّا بِأَذْنِهِ، وَالرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَإِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَكَفَى بِهِ شَهِيدًا، إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً، وَلَا دَارًا وَلَا عِقَارًا، وَإِنَّمَا نُورِثُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالْعِلْمَ وَالنُّبُوَّةَ، وَمَا كَانَ لَنَا مِنْ طَعْمَةٍ فَلَوْلِي الْأَمْرُ بَعْدَنَا أَنْ يُحْكَمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ».**

آنگاه ابوبکر پاسخ داد: ای دختر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگوار و رئوف و رحیم، و بر کافران عذاب دردناک و عقاب بزرگ بود، اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو، و در میان دوستان برادر شوهر توست، که وی را بر هر دوستی برتری داد، و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود، جز سعادت‌مندان شما را دوست نمی‌دارند، و تنها بدکاران شما را دشمن می‌شمردند. پس شما خاندان پیامبر، پاکان برگزیدگان جهان بوده، و ما را به خیر راهنما، و بسوی بهشت رهنمون بودید، و تو ای برترین زنان و دختر برترین پیامبران، در گفتارت صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده، و هرگز از حقت بازداشته نخواهی شد و از گفتار صادق مانعی ایجاد نخواهد گردید. و بخدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی‌گوید، و خدا را گواه می‌گیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می‌نهییم، و آنچه از ما باقی می‌ماند در اختیار ولی امر بعد از ماست، که هر حکمی که بخواهد در آن بنماید.

**وَقَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَيْتَهُ فِي الْكِرَاعِ وَالسَّلَاحِ، يُقَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَيُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَيُجَالِدُونَ الْمَرْدَةَ الْفُجَّارَ، وَذَلِكَ بِاجْمَاعِ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَنْفِرْ بِهِ وَحْدِي، وَلَمْ أَسْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي، وَهَذِهِ حَالِي وَمَالِي، هِيَ لَكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ، لَا تَرَوْى عَنكَ وَلَا نَدْخِرُ دُونَكَ، وَأَنْتِ سَيِّدَةُ أُمَّهَائِكِ وَالشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيكَ، لَا يُدْفَعُ مَالِكٌ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا يُوَضَعُ فِي فَرْعِكَ وَأَصْلِكَ، حُكْمُكَ نَافِدٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ، فَهَلْ تَرِينَ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَاكَ أَبَاكَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ).**

و ما آنچه را که می‌خواهی در راه خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزدم، و در رأی و نظرم مستبذانه عمل ننمودم، و این حال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار توست، و از تو دریغ نمی‌شود و برای فرد دیگری ذخیره نشده، توئی سرور بانوان امت پدرت، و درخت بارور و پاک برای فرزندان، فضائلت انکار نشده، و از شاخه و ساقه‌ات فرونهاده نمی‌گردد، حکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است آیا می‌پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم؟!!

**فَقَالَتْ: سُبْحَانَ اللَّهِ، مَا كَانَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ عَنِ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا، وَلَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالَفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أَمْرَهُ، وَيَقْفُو سُورَهُ، أَتَجْمَعُونَ إِلَيَّ الْعَدْرَ اعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ، وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهٌ بِمَا بُعِيَ لَهُ مِنَ الْعَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حُكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَصْلًا، يَقُولُ: «يَرْتُنِي وَيَرْتُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»، وَيَقُولُ: «وَوَرِثَ سَلِيمَانَ دَاوُدَ».**

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پاک و منزّه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا روی گردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌نمود، آیا می‌خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دامهائی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می‌اندازد، و می‌فرماید: زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که - «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می‌فرماید: «سلیمان از داود ارث برد».

**بَيْنَ عَزٍّ وَ جَلٍّ فِيمَا وَرَعَ مِنَ الْأَفْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَالْمِيرَاثِ، وَ أَبَاحَ مِنْ حِطِّ الذَّكْرَانِ وَالْإِنَاثِ، مَا أَرَاكَ بِهِ عَلَّةُ الْمُبْطِلِينَ وَ أزالَ التَّنَطُّنِي وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ، كَلَّا بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا، «فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَيَّ مَا تَصِفُونَ».**

خداوند در سهمیه‌هایی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین فرمود، و بهره‌هایی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه‌های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا چاره‌ای ندارم، و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست.

**فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَتْ إِبْنَتُهُ، مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةِ، وَ رُكْنُ الدِّينِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعُدُ صَوَابَكَ وَ لَا أَنْكَرُ خِطَابَكَ، هُوَ لِأَيِّ الْمُسْلِمِينَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ قَلْدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَ بِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مَكَابِرٍ وَ لَا مُسْتَبِدِّ وَ لَا مُسْتَأْتِرٍ، وَ هُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ.**

ابوبکر گفت: خدا و پیامبرش راست گفته، و دختر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرچشمه حجت و دلیل می باشد و راست می گوید، سخن حقت را دور نیفکنده و گفتارت را انکار نمی کنم، این مسلمانان بین من و تو حاکم هستند، و آنان این حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبر بوده و نه مستبد به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشته ام، و اینان همگی گواه و شاهدند.

**فالتفت فاطمة عليها السلام الى النساء، و قالت: معاشر المسلمين المُسرِعَةِ الى قيلِ الباطلِ، المُغْضِيَةِ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَفْئَالِهِا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا آسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَآخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَنْصَارِكُمْ، وَ لَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أَشْرْتُمْ، وَ شَرٌّ مَا مِنْهُ اغْتَضْتُمْ، لَتَجِدَنَّ وَ اللّهِ مَخْمَلَهُ تَقِيلاً، وَ غِيَةً وَ بِيلاً، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ، وَ بَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُتَبَطِّلُونَ.**

آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام رو به مردم کرده و فرمود: ای مسلمانان! که برای شنیدن حرفهای بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده میگیرید، آیا در قرآن نمی اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوشها و چشمانتان را فرا گرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او نشان داده، و با بد چیزی معاوضه نمودید، بخدا سوگند تحمل این بار برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پرده ها کنار رود و زیانهای آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی کردید و برای شما آشکار گردد، آنجاست که اهل باطل زیانکار گردند.

**ثم عطف على قبر النبي صلى الله عليه وآله، و قالت:**

**قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنِبَةٌ – لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْتَرِ الْخُطْبُ**

**إِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَابِلَهَا – وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدَهُمْ وَ لَا تَعْبُ**

**وَ كُلُّ أَهْلِ لَهُ قُرْبَى وَ مَنْزِلَةٌ – عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْإِذْنَيْنِ مُقْتَرَبُ**

**أَبَدَتْ رِجَالَ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ – لَمَّا مَضَيْتِ وَ حَالَتْ دُونَكَ التُّرْبُ**

**تَجَهَّمْنَا رِجَالٌ وَ اسْتَحْفَ بِنَا – لَمَّا فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْأَرْثِ مُغْتَصَبُ**

**وَ كُنْتَ بَدْرًا وَ نُورًا يُسْتَنْضَاءُ بِهِ – عَلَيْكَ تَنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ**

**وَ كَانَ جَبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤَنِّسُنَا – فَقَدْ فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجَبُ**

## فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِقًا - لَمَّا مَضَيْتَ وَحَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ

سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود:

بعد از تو خبرها و مسائلی پیش آمد، که اگر بودی آنچنان بزرگ جلوه نمی کرد. ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و قوم تو متفرق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند.

هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر از ما. مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه ها را آشکار کردند. بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و خفیفمان نمودند، و میراثمان دزدیده شد. تو ماه شب چهارده و چراغ نوربخشی بودی، که از جانب خداوند بر تو کتابها نازل می گردید. جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو تمام خیرها پوشیده شد. ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد.

### ثم انكفأت عليها السلام و امير المؤمنين عليه السلام يتوقع رجوعها اليه و يتطلع طلوعها عليه

آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام به خانه بازگشت و حضرت علی علیه السلام در انتظار او بسر برده و منتظر طلوع آفتاب جمالش بود

فلما استقرت بها الدار، قالت لامير المؤمنين عليهما السلام: يابن ابي طالب! اشملت سملة الجبين، و قعدت حجرة الظنين، نقضت قادمة الاجدل، فخانك ريش الاعزل. هذا ابن ابي قحافة يبتزني نحلة ابي و بلغه ابني! لقد اجهر في خصامي و القىته الد في كلامي حتى حبستني قبلة نصرها و المهاجرة وصلها، و غضت الجماعة دوني طرفها، فلا دافع و لا مانع، خرجت كاظمة، و عدت راغمة. اضرعت خدك يوم اضعت خدك، افترست الذئاب و افترست التراب، ما كففت قائلاً و لا اغنيت باطلاً و لا خيار لي، ليتني مت قبل هنيئتي و دون ذلتى، عذيري الله منك عادياً و منك حامياً. ويلاى فى كل شارق، ويلاى فى كل غارب، مات العمدة و وهن العضة، شكواى الى ابي و عدواى الى ربى، اللهم انك اشد منهم قوةً و حولاً، و اشد بأساً و تنكياً.

وقتی در خانه آرام گرفت به حضرت علی علیه السلام فرمود: ای پسر ابوطالب! همانند جنین در شکم مادر پرده نشین شده، و در خانه اتهام به زمین نشسته ای، شاه پره‌ای شاهین را شکسته، و حال آنکه پره‌ای کوچک هم در پرواز به تو خیانت خواهد کرد. این پسر ابی قحافه است که هدیه پدرم و مایه زندگی دو پسر را از من گرفته است، با کمال وضوح با من دشمنی کرد، و من او را در سخن گفتن با خود بسیار لجوج و کینه توز دیدم، تا آنکه انصار حمایتشان را از من باز داشته، و مهاجران یاریشان را از من دریغ نمودند، و مردم از یاریم چشم پوشی کردند، نه مدافعی دارم و نه کسی که مانع از کردار آنان گردد، در حالی که خشمم را فرورده بودم از

خانه خارج شدم و بدون نتیجه بازگشتم. امروز که شمشیرت را بر زمین نهادی همان روز خویشتن را خانه نشین نمودی، تو شیرمردی بودی که گرگان را می کشتی، و امروز بر روی زمین آرمیده ای، گوینده ای را از من دفع نکرده، و باطلی را از من دور نمی گردانی، و من از خود اختیاری ندارم، ای کاش قبل از این کار و قبل از اینکه این چنین خوار شوم مرده بودم، از اینکه اینگونه سخن می گویم خداوند عذر می خواهم، و یاری و کمک از جانب توست. از این پس وای بر من در هر صبح و شام، پناهیم از دنیا رفت، و بازویم سست شد، شکایتم بسوی پدرم بوده و از خدا یاری می خواهم، پروردگارا نیرو و توانت از آنان بیشتر، و عذاب و عقابت دردناکتر است.

**فقال امیر المؤمنین علیه السلام: لا وِیْلَ لَکَ، بَلِ الْوِیْلُ لِسَانِکَ، نَهْنِیْ عَنْ وُجْدِکَ، یا اِبْنَهُ الصَّفْوَةَ وَ بَقِیَّةَ النُّبُوَّةِ، فَمَا وَیَّتْ عَنْ دِیْنِی، وَ لَا اَخْطَاْتُ مَقْدُورِی، فَاِنْ کُنْتَ تُرِیدُ اَنْ اَبْلُغَهُ فَرِزْقَکَ مَضْمُونٌ، وَ کَفِیْلَکَ مَأْمُونٌ، وَ مَا اَعَدَّ لَکَ اَفْضَلَ مِمَّا قَطَعْتَ عَنْکَ، فَاَحْتَسِبِی اللهُ.**

حضرت علی علیه السلام فرمود: شایسته تو نیست که وای بر من بگوئی، بلکه سزاوار دشمن ستمگر توست، ای دختر برگزیده خدا و ای باقیمانده نبوت، از اندوه و غضب دست بردار، من در دینم سست نشده و از آنچه در حدّ توانم است مضائقه نمی کنم، اگر تو برای گذران روزیت ناراحتی، بدانکه روزی تو نزد خدا ضمانت شده و کفیل تو امین است، و آنچه برایت آماده شده از آنچه از تو گرفته شده بهتر است، پس برای خدا صبر کن.

**فقالت: حَسْبِیَ اللهُ، وَ اَمْسَکْتُ.**

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: خدا مرا کافی است، آنگاه ساکت شد.

**پی نوشت:**

- 1 - النمل: ۱۶
- 2 - مریم: ۵،۶
- 3 - انفال: ۷۵
- 4 - النساء: ۱۱
- 5 - البقره: ۱۸۰
- 6 - آل عمران: ۱۴۴